



خلاصه داستان: پهلوان حیدر به دیدن دانشجوی جوان در درمانگاه کوچک آبادی می‌رفت که در دوردست نگاهش به ستونی از دود افتاد. صدای مهممه و فریاد آدم‌ها در یاد می‌آمد و گاه صدای شلیک گلوله‌ای به گوش می‌رسید..

پهلوان باخود فکر کرد باز قداره بندهای سیاهپوش، برای خاموش کردن صدای اعتراض مردم، به دستور «آقابزرگ» تفکججی هائی را با تفنگ‌های فتیله‌ای که از آمینیه‌ها به‌جامانده وارد میدان کرده‌اند. سیاهپوش‌ها بار دیگر بازرسی خانه‌ها را شروع کرده بودند تا مجروحانی را که غروب دیروز در حملۀ ناگهانی جانوران وحشی به مرادآباد زخم برداشته‌اند شناسایی کنند. آقابزرگ حاکم خود خوانده آبادی، دستور داده بود مأموران خانه به خانه بگردند و آنهایی را که خراش‌هایی در سر و صورت‌شان هست یا زخمی پنهان در بدن دارند شناسایی کنند و برای نگهداری در اردوگاه‌های مخصوص با خود ببرند چرا که روح شیاطین در کالبد سگ‌های جنگل دیده شده و از طریق نیش دندان این سگ‌ها به جان افراد زخمی نفوذ پیدا می‌کند. حمله سگ‌ها با روند فاجعه‌باری ادامه می‌یافت و این حمله‌ها با افزایش تعداد حیوانات مبتلا به ویروس هاری هربار گسترده‌تر و فاجعه‌بارتر از حملات قبل ادامه می‌یافت... این نحو که سگ‌های هار در جدالی خونین با سگ‌ها و حیوانات دیگر از جمله راکو‌ها، اسوها و روباه‌ها ویروس مرگ‌بار هاری را به آنها منتقل می‌کردند، به این ترتیب حملات انواع جانوران به آبادی هولناک‌تر و فاجعه‌بارتر ادامه می‌یافت و در هر حمله افراد بیشتری از مردم با زخم‌هایی پنهان، آلوده به ویروس هاری می‌شدند که با گذشت حدود دو هفته، لحظات هولناک مرگ‌شان فرا می‌رسید. همه به‌گذران در کوچه و بازار شاهد جان‌کندن آنان می‌شدند، بیماری‌اتی که ناگهان از خانه‌ها افتان و خیزان بیرون می‌آمدند و در برابر چشمان حیرت‌زده به‌گذران بر زمین می‌افتادند، با چشمانی از حلقه بیرون زده و دهانی کف آلود چهره به‌خاک می‌کشیدند. چنان به زمین چنگ می‌زدند که خون از زیر انگشتان‌شان بیرون می‌تراوید و آنگاه جان می‌کندند. ساکنان بعضی از خانه‌ها مجبور می‌شدند سگ‌گزیده‌ها را با دست و پاهایی بسته در زیر زمین یا انباری خانه‌ها حبس کنند تا با فرارسیدن لحظات مرگ‌شان نتوانند از خانه به بیرون هجوم ببرند.گم‌گوگر کردن اجساد این مردگان هم مشکل بزرگ خانواده‌ها بود. چون اجازه نداشتند مرده‌های‌شان را در گورستان عمومی دفن کنند و کشف‌گور فوت شدگان کيفر سنگینی برای بازماندگان در پی داشت. بنابراین آنها ناگزیر می‌شدند مرده‌های‌شان را دور از چشم دیگران در قبرستان متروکه قدیمی دفن کنند اما گاهی سگ‌های هار در طعمه‌ای با بوی جسد تازه‌ای قیر مرده را می‌کاویدند و جنازه را از زیر خاک بیرون می‌کشیدند و به این ترتیب راز خانواده‌ای فاش می‌شد تا اینکه گم‌گوگر کردن جنازه‌های چنین مرده‌هایی به‌صورت کاسبی بردرآمدی برای سورجی‌های گاری‌های نعش کش درآمد. آنها با دریافت دستمزد قابل توجهی جنازه‌های این مردگان را شبانه به دورترین منطقه ساحلی انتقال می‌دادند و در دریا می‌انداختند تا طعمه کوسه‌ها شوند.

پهلوان گشت زنان به بازارچه اصلی در میدان بزرگ آبادی رسیده بود و هنوز وقت کافی بود تا طبق قراری که با دانشجوی رشته پزشکی داشت به دیدنش در درمانگاه کوچک وی‌روقت آبادی برسد...

پای درخت چند صد ساله‌ای که به درخت حاجت شهرت داشت پردرد از زنان جوان و دخترانی که هرکدام برای رفع حاجتی یا رسیدن به آرزویی یا شکستن طلسمی و جلب مهر و محبتی به نوبت پای بساط دو رمال و دعاویوسی نشسته بودند تا دعایی و طلسمی بگیرند یا مهره ماری و دم خشکیده عقرری برای زهرچشم هوویی شود. دخترانی هم لته‌های رنگینی به نشانه نیاز یا به شاخه‌های درخت پیر گره می‌زدند و زیر لب چیزی زمزمه می‌کردند. در داخل تخته قطور درخت حاجت فضای تاریکی همچون غار به چشم می‌آمد. در میانه غار سقاخانه‌ای قرار داشت که ده‌ها شمع رنگارنگ می‌سوختند و شعله‌های لرزان‌شان به‌طور خفوفانی بر سینه تاریک این سقاخانه می‌رقصیدند. در میان این تاریکی وهم انگیز چشم پهلوان به مرد لاغر و نیمه جانی افتاد که روی سکویی از چوب خوابانده بودند که با زنجیر میج یک پایش به بدنه مشبک سقاخانه بسته شده بود. مرد صورتی تکیده و استخوانی داشت که چشم‌هایش در گودی حلقه‌ها به طرز هولناکی با فروغ اندکی چون شمعی در حال سوختن می‌درخشیدند./ادامه دارد

دقایق دلهره و ترس برای پسر شیشه پاک کن گروه حوادث/ پسر جوان که در حال تمیز کردن شیشه‌های بیرونی یک ساختمان ۵ طبقه بود به علت خراب شدن تجهیزات خدماتی اش نیم ساعت بین زمین و آسمان معلق ماند.



سیدجلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران در تشریح این ماجرا گفت: ساعت ۱۸:۴۷ عصر سه‌شنبه، ۱۷ تیر خیر گرفتار شدن فردی روی نمای یک ساختمان در محدوده خیابان پیروزی، نبش کوچه حافظ به سامانه ۱۲۵ سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران اطلاع داده شد که بلافاصله ایستگاه شماره ۱۱۷ به محل اعزام شد. محل حادثه یک ساختمان پنج طبقه اداری بود که پنجره‌های این ساختمان قابلیت باز شدن نداشت و برای تمیز کردن شیشه‌های ثابت این‌گونه ساختمان‌ها معمولاً از طریق نصب کارگاه رابل با طناب‌های مخصوص اقدام می‌شود و افراد خود را در ارتفاع معلق می‌کنند تا بتوانند شیشه‌ها را تمیز کنند. در این ساختمان نیز مرد جوانی برای تمیز کردن شیشه‌ها اقدام کرده بود که در طبقه چهارم به دلیل به وجود آمدن مشکلاتی برای تجهیزاتش ناگهان میان زمین و آسمان و گرفتار شده بود. به‌گفته خود این کارگر جوان، او حدود نیم ساعت در قسمت بیرونی ساختمان در طبقه چهارم به‌صورت معلق گرفتار بوده که آتش‌نشانان در محل حاضر شدند و با استفاده از نردبان هیدرولیکی او را به سلامت به سطح زمین انتقال دادند.

پنجشنبه ۱۹ تیر ۱۳۹۹
 سال بیست و ششم
 شماره ۷۳۸۹

«ژی‌یار» قربانی

حسادت زن سنگدل

گروه حوادث/ نامادری بی‌رحم که پسر ۵ ساله همسرش را به طرز هولناکی به قتل رسانده بود از سوی پلیس دستگیر شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، راز این جنایت فجیع از چند روز قبل و با کشف پیکر خونین پسر ۵ ساله‌ای به نام «ژی‌یار» در یک باغ واقع در جوارنود فاش شد. با حضور مأموران پلیس و تیم جنایی در محل مشخص شد رگ‌های مج دست این کودک بریده و از بالای یک تپه به پایین پرت شده است.

سرهنگ محمدرضا آمویی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه در تشریح این خبر گفت: پس از گزارش قتل این پسرپچه پنج ساله به پلیس آگاهی جوارنود، رسیدگی ویژه به موضوع در دستور

کار قرار گرفت.کارآگاهان در تحقیقات گسترده و تخصصی خود پس از بازجویی از خانواده این کودک دریافتند وقتی ژیار یک سال و نیمه بوده مادرش خودکشی کرده و جان باخته بود. از آن زمان نیز این کودک با پدربزرگ و مادربزرگش زندگی می‌کرده تا اینکه حدود یک سال قبل پدر ژیار با زنی ۳۰ ساله ازدواج کرد و مدتی بعد نیز فرزندش را نزد خود برد. کارآگاهان در تحقیق از نامادری ژیار با توجه به اظهارات ضد و نقیض وی در مورد کودک به او مشکوک شدند. بدین ترتیب دستور بازداشت این زن صادر شد و وی در بازجویی‌ها لب به اعتراف گشود و به قتل ژیار اعتراف کرد.

زن جوان که انگیزه خود را از این جنایت حسادت عنوان کرده بود

قتل زن تنها با وسوسه سرقت طلا

گروه حوادث/ دو مرد افغانستانی که برای کارگری به خانه یک زن تنها رفته بودند با دیدن طلاهای وی به قصد سرقت، مرگ او را رقم زدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، روز ۲۹ خرداد امسال به‌دنبال تماس تلفنی با مرکز فوریتهای ۱۱۰ مأموران کلانتری شهرستان بهارستان در جریان اجرای مرموزی قرار گرفتند.

زن میانسانی به مأموران گفت: همسایه‌ام زنی تنها است که وضع مالی خوبی هم دارد دیشب صداهای عجیبی از خانه‌اش می‌آمد اما بعد صداها قطع شد. صبح امروز از سر کنجکاو به در خانه‌اش رفتم اما در را باز نکرد. من مطمئنم که در خانه است و بیرون نرفته به همین خاطر نگران‌ش هستم. باتوجه به اظهارات زن همسایه، مأموران کلانتری با هماهنگی‌های لازم و گرفتن مجوز قضایی وارد خانه شدند اما به محض ورود با جسد صغری ۵۰ ساله داخل یکی از اتاق‌ها رو به رو شدند که بر اثر خفگی به قتل رسیده بود. با اعلام این ماجرا به بازپرس ویژه قتل دستور انتقال جسد به پزشکی قانونی صادر شد.

در ادامه تحقیقات مشخص شد شوهر صغری چندی قبل فوت کرده و وی تنها زندگی می‌کرده است. همچنین مشخص شد روز حادثه دو مرد افغانستانی برای کارگری و نظافت خانه این زن به آنجا رفته بودند. بدین ترتیب با ردیابی‌های پلیسی یکی از متهمان به نام نعیم ۲۶ساله شناسایی و دستگیر شد. وی در بازجویی‌های اولیه منکر قتل زن تنها شد اما مدتی بعد با توجه به مدارک و اسنادی که وجود داشت به قتل اعتراف کرد و گفت: من و دوستم به‌دنبال تماس این زن برای کار به خانه‌اش رفته بودیم

بدهی مالیاتی ۱۰ میلیاردی زن مستخدم

گروه حوادث/ مرد شید که با سوءاستفاده از مدارک هویتی یک زن بی سواد شرکتی بازرگانی راه‌اندازی کرده بود با ۱۱ میلیارد تومان بدهی مالیاتی آسوی مأموران اداره مبارزه با جرایم اقتصادی هرمزگان، دستگیر شد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، با اعلام گزارش یک ققره فرار مالیاتی به اداره مبارزه با جرایم اقتصادی پلیس امنیت اقتصادی استان هرمزگان کارشناسان این اداره تحقیقات‌شان را با همکاری اداره کل امور مالیاتی استان آغاز کردند و موفق شدند یکی از مؤذیان مالیاتی که با ثبت یک شرکت بین سال‌های ۹۱ تا ۹۴ در سطح شهرستان بندرعباس در امروادات کالا با اخذ کار بازگانی فعالیت داشت، شناسایی کنند که این شرکت با وجودی که سال‌ها ز فعالیتش گذشته بود هیچ‌گونه اظهارنامه‌ای رابرای فعالیت‌های اقتصادی‌اش به اداره امور مالیاتی استان هرمزگان ارائه نکرده بود. سردار غلامرضا جعفری فرمانده انتظامی استان

سقوط اتوبوس دانش آموزان چین به رودخانه

شمار جانباختگان سقوط اتوبوس دانش آموزان چینی به رودخانه به ۲۱ نفر افزایش یافته است.

به‌گزارش تلوزیون‌ دولتی چین، این اتوبوس روز سه‌شنبه از شهر آنتشان/ راهی مرکز استان گوژیو بود که به‌دلیل بریدن ترمز بعد از شکستن گارد ریل کنار جاده، به داخل یک رودخانه محلی سقوط کرد. این دانش آموزان قصد داشتند برای شرکت در آزمون کنکور سراسری به شهر گوژیو سفر کنند که دچار حادثه شدند. خبرگزاری فرانسه به نقل از برخی مقامات چین گزارش داد که بلافاصله بعد از وقوع این حادثه، بیش از ۲۰۰ نفر از جمله ۵۵ غواص حرفه‌ای در عملیات نجات بازماندگان و بیرون کشیدن اجساد قربانیان این حادثه شرکت داشتند. مجروحان این حادثه پس‌رعت به بیمارستان‌های محلی انتقال یافتند و اتوبوس از رودخانه بیرون کشیده شد. در حالی که گزارش‌ها ابتدا از کشته شدن ۲ دانش آموز و زخمی شدن ۱۰ نفر دیگر

خبر داده بودند اما آخرین آمارها حاکی است که این رقم به ۲۱ کشته و ۱۵ زخمی افزایش یافته است. به‌گفته این مقامات، تحقیقات برای پی بردن علت این حادثه در حال انجام است.

http://irannewspaper.ir
 editorial@irannewspaper.ir



مشاوره‌های لازم در تمامی زمینه‌ها به‌صورت رایگان به شهروندان خدمت‌رسانی می‌کند افرادی که در زندگی به بن‌بست می‌رسند یا نیاز

رسیدگی به پرونده سقوط هواپیمای تهران – طبس

است وقوه جاذبه زمین در این پروازها تأثیر خواهد گذاشت.

با اینکه نهایت پرواز این هواپما در دمای ۳۰ درجه سانتی‌گراد بوده، اما سازمان هواپیمایی پرواز تا ۳۵ درجه سانتی‌گراد را نیز بدون مشکل اعلام می‌کند. این در حالی بود که آنتونف ۱۴۰ در دمای ۴۵ درجه سانتی‌گراد نیز پرواز داشته است.

اشکال در سیستم اعلام خطر

اما یکی دیگر از مواردی که در جلسه دادگاه اعلام شد، ماجرای خطا در سیستم اعلام خطر بود. از آنجایی‌که کل این پرواز ۱۹ ثانیه طول کشیده بود، خلبان در ثانیه ۱۶ متوجه نقص هواپما می‌شود به این دلیل که سیستم هشدار مشکل داشته و ۱۶ ثانیه دیرتر مشکل را اعلام کرده است. به همین دلیل خلبان در ۳ ثانیه بعد که منجر به سقوط هواپما شده فرصتی برای کنترل هواپما نداشته است.

عب‌فنی، علت حادثه

■ مجوز نامعتبر سازمان بازرسی کل کشور در تمام مراحل تحقیقات، علت سانه‌خ را عب‌فنی اعلام کرده، کمیسور بررسی سوانح نیز علت این سقوط را عب‌فنی اعلام کرده و حتی کارشناسان ۷ نفره نیز علت سانه‌خ هواپی را مشکل هواپما اعلام کردند.



■ اظهارات خانواده قربانیان

پدر حسین رفیع‌زاده یکی از قربانیان این سانحه به خبرنگار «ایران» گفت: پسرم مهندس پرواز بود، من ۶ دختر و یک پسر داشتم که او هم ۷ سال قبل در این حادثه هواپیمایی جان خود را از دست داد. پسرم مأمور پرواز و کارمند وزارت دفاع بود، اما او را شهید اعلام نکرده‌اند. اصلاً آن روز نوبت پرواز حسین نبود، آنها ساعت ۴ صبح روز حادثه پسر را از خواب بیدار کرده و به این مأموریت فرستادند.

«ما خواهان دریافت غرامت و مجازات متهمان هستیم» برادر سعید محمدی آرا این جمله را می‌گوید. او ادامه می‌دهد: «برادرم سه ماه بود در شرکتی مشغول شده بود و روز حادثه به همراه دو نفر از همکارانش راهی طبس می‌شوند که این اتفاق رخ می‌دهد.»

یکی دیگر از اولیای دم که خواست‌نامش فاش نشود گفت: نمایندگان دادستان تحقیقات‌شان کامل است اما ما دسترسی به اسناد و مدارک نداریم.

به همین خاطر از آنها خواستیم که در جلسه محاکمه، آنها به جای ما صحبت کنند و اجازه دهند حق فرزندان ما که در این پرواز جان باختند پایمال شود.

این هواپما صبح یکشنبه ۱۹ مرداد ماه سال ۹۳ لحظاتی پس از پرواز از فرودگاه مهرآباد در نزدیکی شهرک آزادی سقوط کرد.

گروه حوادث/ جلسه رسیدگی به پرونده متهمان حادثه سقوط هواپیمای آنتونف ۱۴۰ که از تهران عازم طبس بود و منجر به کشته شدن ۴۰ مسافر و کادر پروازی و مصدومیت ۸ نفر دیگر شده بود صبح دیروز در شعبه ۱۰۵۸ دادگاه کارکنان دولت برگزار شد. به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۹ صبح چهارشنبه جلسه رسیدگی به این پرونده با حضور خانواده قربانیان، نمایندگان دادستان و ۲ متهم پرونده برگزار شد.

در این جلسه چهار متهم پرونده از جمله رئیس وقت سازمان هواپیمایی کشوری و مدیرعامل شرکت هواپیمایی به اتهام مشارکت در ۴۰ فقره قتل شبه‌عمد و ۸ فقره ضرب و جرح شبه‌عمد تحت محاکمه قرار گرفتند. در آغاز جلسه حبیب‌الله صادقی و محسن اختیاری، دونماینده دادستان کیفرخواست را خواندند و سپس به بیان ایرادهایی که در جلسه قبلی دادگاه نیز مطرح شده بود پرداختند.

■ مجوز نامعتبر

یکی از موارد مطرح شده در این پرونده علت تغییر کارشناسان قبل از پرواز بود. کارشناسانی که سه ماه قبل از این حادثه، ایرادات فنی هواپیمای آنتونف ۱۴۰ را بیان کرده و گفته بودند